

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۶N۱۱sh۴۴۰۷۱ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

مقایسه نقش و جایگاه آنسیترال و اتاق بازرگانی بین المللی در تدوین مقررات حقوقی برای توسعه تجارت بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۰۲)

ناتاشا اعرابی

مولف کتب حقوقی

دانشجوی مقطع دکترا حقوق خصوصی

چکیده

یکپارچه سازی و هماهنگ سازی قواعد حقوق تجارت بین الملل از مهم ترین چالش های نظام حقوقی جهانی در مواجهه با گسترش مبادلات فرامرزی است. در این میان، نهادهایی همچون کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد (UNCITRAL) و اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) نقشی بنیادین در تدوین، توسعه و ترویج قواعد متحدالشکل ایفا کرده اند. آنسیترال عمدتاً از طریق تدوین کنوانسیون های بین المللی، قوانین نمونه و اسناد نرم حقوقی، و ICC از طریق ارائه قواعد قراردادی، داوری و استانداردهای تجاری، به تنظیم روابط تجاری بین المللی پرداخته اند.

مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، به بررسی کنوانسیون ها و ابزارهای حقوقی مرتبط با این دو نهاد پرداخته و نقش آنها را در ایجاد امنیت حقوقی، پیش بینی پذیری و کارآمدی نظام حقوق تجارت بین الملل تحلیل می کند. فرض اصلی مقاله آن است که تعامل مکمل میان اسناد الزام آور آنسیترال و ابزارهای قراردادی ICC، هسته اصلی نظم حقوقی معاصر تجارت بین الملل را شکل داده است.

واژگان کلیدی: حقوق تجارت بین الملل، آنسیترال (UNCITRAL، ICC)، کنوانسیون های بین المللی، داوری تجاری بین المللی.

مقدمه

جهانی‌شدن اقتصاد و گسترش روزافزون مبادلات فرامرزی، نظام‌های حقوقی ملی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. تنوع نظام‌های حقوقی، تفاوت در قواعد ماهوی و شکلی قراردادهای و اختلاف در شیوه‌های حل و فصل اختلافات، از جمله عواملی هستند که امنیت حقوقی تجارت بین‌الملل را تهدید می‌کنند. در پاسخ به این چالش‌ها، جامعه بین‌المللی به‌سوی ایجاد قواعد متحدالشکل و سازوکارهای هماهنگ حرکت کرده است. در این چارچوب، دو نهاد **UNCITRAL** و **ICC** نقش محوری ایفا می‌کنند. آنسیترال به‌عنوان نهادی بین‌دولتی، با تدوین کنوانسیون‌ها و قوانین نمونه، به دنبال ایجاد وحدت حقوقی در سطح دولتهاست؛ در حالی که **ICC** به‌عنوان نهادی غیردولتی اما بسیار اثرگذار، از طریق قواعد قراردادی، داوری و استانداردسازی تجاری، نظم عملی تجارت بین‌الملل را شکل می‌دهد. مهم‌ترین مأموریت آنسیترال یکسان‌سازی و نوسازی حقوق تجارت بین‌الملل از طریق ابزارهای قانونگذاری و غیرقانونگذاری بازرگانی در موضوعات گوناگون حقوق تجارت بین‌الملل می‌باشد. آنسیترال در زمینه تشویق کشورها به پیوستن هرچه بیشتر به کنوانسیون‌های موجود از جمله کنوانسیون حقوق تجارت بین‌الملل مربوط به بیع کالا و پذیرش قوانین نمونه و مقررات متحدالشکل گام شایسته برداشته است. اتاق بین‌المللی بازرگانی نیز به صورت یک سازمان بین‌المللی غیردولتی تشکیل گردیده است و در صحنه بازرگانی بین‌المللی حضور و نقش مؤثرتری داشته است، به نحوی که امروزه طرف مشورت و همکاری و هماهنگی با سازمانهای بین‌المللی تخصصی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا (OECD)، شورای تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD) و امثال آنها میباشد.

بخش اول: جایگاه آنسیترال در حقوق تجارت بین الملل

۱. ماهیت حقوقی و کارکرد آنسیترال

آنسیترال نهادی وابسته به سازمان ملل متحد است که مأموریت اصلی آن «هماهنگ‌سازی و نوسازی حقوق تجارت بین‌الملل» از طریق ابزارهای حقوقی مختلف است. ویژگی بارز اسناد آنسیترال، انعطاف‌پذیری و قابلیت پذیرش توسط نظام‌های حقوقی مختلف است.

۲- فلسفه تأسیس آنسیترال

آنسیترال به‌عنوان بازوی تخصصی سازمان ملل متحد در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل، در پاسخ به یک نیاز ساختاری در نظم اقتصادی جهانی پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت: به دلیل عدم هماهنگی و تشتت نظام‌های حقوقی ملی در معاملات فرامرزی.

فلسفه بنیادین آنسیترال نه «یکسان‌سازی مطلق»، بلکه همگرایی کارکردی نظام‌های حقوقی (Functional Harmonization) است؛ به‌گونه‌ای که کشورها بدون از دست دادن حاکمیت تقنینی خود، به قواعدی قابل پیش‌بینی، بی‌طرف و کارآمد در تجارت بین‌الملل دست یابند

UNCITRAL در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تأسیس شد تا نقش محوری در هارمونیزاسیون و نوسازی قوانین تجارت بین‌الملل ایفا کند. این کمیسیون شامل ۶۰ عضو است که توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و نماینده مناطق جغرافیایی مختلف هستند. ساختار آن شامل شش گروه کاری است که در زمینه‌هایی مانند داوری، تجارت الکترونیک، ورشکستگی، حمل‌ونقل و تأمین مالی فعالیت می‌کنند. جلسات سالانه در نیویورک و وین برگزار می‌شود و تمرکز بر ابزارهای قانونگذاری (کنوانسیون‌ها) و غیرقانونگذاری (راهنماها) است.

UNCITRAL رویکرد انعطاف‌پذیر دارد و از تکنیک‌هایی مانند مدل‌قوانین برای تسهیل پذیرش توسط کشورها استفاده می‌کند. این نهاد به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل کمک می‌کند و در برنامه عمل آدیس آبابا (۳۱۳/۶۹/A/RES) به عنوان نهاد اصلی هماهنگی حقوقی شناخته شده است

موفقیت آن در حمایت از کشورهای در حال توسعه مشهود است، جایی که قوانین ملی را با

استانداردهای جهانی همخوان می‌کند.

برخلاف نهادهایی همچون آنسیترال که ماهیتی بین‌دولتی دارند، ICC بر پایه ابتکار و اراده بخش خصوصی شکل گرفته و مشروعیت خود را نه از الحاق دولت‌ها، بلکه از پذیرش عملی قواعد آن توسط فعالان اقتصادی به‌دست می‌آورد.

ویژگی متمایز ICC آن است که قواعد و استانداردهای تدوین‌شده توسط این نهاد، مستقیماً در بطن روابط تجاری بین‌المللی اعمال می‌شوند. به بیان دیگر، ICC بیش از آنکه به‌دنبال وحدت حقوقی در سطح تقنین دولتی باشد، به ایجاد نظم قراردادی فراملی توجه دارد. این نظم قراردادی، در عمل نقش مهمی در پر کردن خلأهای حقوقی ناشی از اختلاف نظام‌های ملی ایفا کرده و به شکل‌گیری آنچه در ادبیات حقوقی از آن به‌عنوان *lex mercatoria moderna* یاد می‌شود، کمک کرده است.

۳. کنوانسیون‌های محوری آنسیترال در تجارت بین‌الملل

۱.۳. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG)

کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ (با وجود اینکه مستقیماً محصول آنسیترال نیست، اما توسعه تفسیری آن تحت تأثیر آنسیترال است) این اسناد در صورت الحاق دولت‌ها، واجد الزام حقوقی مستقیم هستند و نقش مهمی در کاهش تعارض قوانین ایفا می‌کنند. کنوانسیون ۱۹۸۰ وین (CISG) مهم‌ترین دستاورد آنسیترال در حوزه حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی است. این کنوانسیون:

- قواعد یکنواختی برای انعقاد، آثار و نقض قرارداد فروش بین‌المللی کالا ارائه می‌دهد؛

- با حذف ارجاع به حقوق داخلی، از تعارض قوانین جلوگیری می‌کند؛

- در عمل به «قانون مشترک بازرگانان بین‌المللی» تبدیل شده است.

۲-۳. کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی

این کنوانسیون پاسخ آنسیترال به تحولات تجارت الکترونیک است و با به‌رسمیت شناختن ابزارهای دیجیتال، بستر حقوقی تجارت نوین را فراهم می‌کند.

۳.۳. قوانین نمونه و اسناد نرم

قوانین نمونه داوری، ورشکستگی فرامرزی و میانجی‌گری UNCITRAL، نقشی مکمل در ایجاد نظام حقوقی پویا دارند. این اسناد، به‌عنوان الگوهای تقنینی، هماهنگی و امنیت حقوقی را در سطح بین‌المللی ارتقا می‌دهند.

قانون نمونه داوری آنسیترال، تأثیرگذارترین سند غیرالزام‌آور در حوزه داوری است و مبنای قوانین داوری بسیاری از کشورها قرار گرفته است. این قانون:

- استقلال داوری از دادگاه‌های ملی را تقویت می‌کند؛

- اصل حاکمیت اراده طرفین را به رسمیت می‌شناسد؛

- هماهنگی گسترده‌ای با کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ دارد.

۳.۴. اسناد راهنما و قواعد غیرالزام‌آور

مانند: راهنمای تقنینی قواعد داوری آنسیترال

این اسناد بیش از آنکه قانون‌ساز باشند، رفتارساز (Behavior-shaping) هستند و در عمل توسط داوران، قضات و کنشگران تجاری به‌طور گسترده مورد استناد قرار می‌گیرند.

۴. نقش آنسیترال در تحول داوری تجاری بین‌المللی

از منظر دکترین حقوق تجارت بین‌الملل، آنسیترال را باید معمار حقوق مدرن داوری بین‌المللی دانست. دستاوردهای اصلی آن عبارت‌اند از:

تثبیت اصل صلاحیت بر صلاحیت (Kompetenz-Kompetenz)

تقویت اصل استقلال شرط داوری

کاهش مداخلات قضایی دولت‌ها

افزایش قابلیت اجرای آراء داوری

قانون نمونه داوری آنسیترال، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نقش الگوی مرجع برای اصلاح قوانین داوری ملی ایفا کرده و موجب ارتقای امنیت حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی شده است.

۵. آنسیترال و چالش حاکمیت دولتها

یکی از نقدهای جدی به آنسیترال، تضعیف تدریجی حاکمیت تقنینی دولتها است. با این حال، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد: آنسیترال فاقد قدرت الزام‌آور مستقیم است؛ پذیرش اسناد آن کاملاً داوطلبانه است؛ دولتها می‌توانند با «بومی‌سازی هنجارها» (Legal Transplant with Adaptation) آن‌ها را اجرا کنند. بنابراین، آنسیترال نه ناقض حاکمیت، بلکه نقش بازتعریف‌کننده حاکمیت در بستر جهانی شدن حقوق را بازی می‌کند.

۶. ارزیابی انتقادی

با وجود موفقیتها، برخی کشورها اجرای ناقص یا عدم الحاق دارند، اما تأثیر واقعی UNCITRAL فراتر از عضویت رسمی است و مفاهیم آن حتی در نظامهای غیرعضو نفوذ یافته اند.

بخش دوم: نقش ICC در تنظیم عملی تجارت بین‌الملل

۱. ماهیت ICC به عنوان نهاد غیردولتی فراملی

اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) نهادی خصوصی اما دارای نفوذ جهانی است که قواعد آن نه از طریق الحاق دولتها، بلکه از راه پذیرش قراردادی بازرگانان اعمال می‌شود. ICC در سال ۱۹۱۹ پس از جنگ جهانی اول تأسیس شد تا تجارت را به عنوان نیرویی برای صلح ترویج دهد. این نهاد خصوصی، نماینده ۴۵ میلیون شرکت در بیش از ۱۷۰ کشور است و ساختار آن شامل کمیته‌های ملی، کمیسیون‌ها و دادگاه داوری است. ICC بر پایه اصول بخش خصوصی عمل می‌کند و تمرکز آن بر توسعه قواعد تجاری، سیاست‌گذاری و حل اختلاف است.

از منظر دکترین، ICC نمونه بارز حکمرانی خصوصی جهانی (Global Private Governance) در حقوق تجارت بین‌الملل است.

۲. ابزارهای حقوقی ICC در تجارت بین الملل

۱-۲. قواعد داوری ICC

قواعد داوری ICC یکی از معتبرترین و پرکاربردترین نظام‌های داوری تجاری بین‌المللی است. این قواعد:

- با تأکید بر کارآمدی و سرعت رسیدگی؛
- با نظارت نهادی بر کیفیت آراء؛
- نقش مهمی در تضمین اجرای مؤثر قراردادهای بین‌المللی دارند.

۲-۲. Incoterms

اینکوترمز، استانداردهای تفسیری شروط تجاری هستند که:

- تعهدات فروشنده و خریدار را شفاف می‌کنند؛
- ریسک‌های حمل‌ونقل و تحویل را توزیع می‌نمایند؛
- مکمل کنوانسیون‌هایی نظیر CISG محسوب می‌شوند.

۳-۲. ماهیت حقوقی اینکوترمز

اینکوترمز (International Commercial Terms) مجموعه‌ای از قواعد تفسیری استاندارد هستند که توسط ICC تدوین و به‌طور دوره‌ای به‌روزرسانی میشوند. این قواعد، تعهدات فروشنده و خریدار را در خصوص تحویل کالا، انتقال ریسک، هزینه‌ها و تشریفات گمرکی مشخص میکنند.

اگرچه اینکوترمز ماهیت الزام‌آور قانونی ندارند، اما به‌محض ارجاع به آنها در قرارداد، به بخشی جدایی‌ناپذیر از توافق طرفین تبدیل میشوند. در عمل، اینکوترمز به یکی از پرکاربردترین ابزارهای حقوقی در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا بدل شده‌اند.

۴-۲. رابطه اینکوترمز با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

رابطه میان اینکوترمز و CISG، نمونه‌ای بارز از تعامل میان ابزارهای ICC و کنوانسیونهای

آنسیترال است. در حالی که CISG چارچوب کلی حقوق و تعهدات طرفین قرارداد بیع را تعیین میکند، اینکوترمز به عنوان قواعد تکمیلی، جزئیات اجرایی تعهدات حمل و نقل و تحویل را مشخص می‌سازند.

این همپوشانی، نشان دهنده شکل‌گیری یک نظام حقوقی چندلایه در تجارت بین‌الملل است که در آن، اسناد الزام آور بین‌المللی و قواعد قراردادی خصوصی، در کنار یکدیگر به تنظیم روابط تجاری می‌پردازند.

۳. قواعد داوری ICC و نقش آن در تضمین امنیت حقوقی تجارت بین‌الملل

۳-۱. داوری ICC به عنوان نهاد محوری حل و فصل اختلافات تجاری

داوری تجاری بین‌المللی، یکی از ارکان اساسی حقوق تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود و ICC در این حوزه جایگاهی ممتاز دارد. دیوان داوری ICC (ICC International Court of Arbitration) یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین نهادهای داوری جهان است که سالانه صدها پرونده تجاری پیچیده با ماهیت چندملیتی را رسیدگی می‌کند.

قواعد داوری ICC، با تأکید بر کارآمدی، بیطرفی و تضمین کیفیت آراء، توانسته‌اند اعتماد گسترده بازرگانان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را جلب کنند. این قواعد نه تنها چارچوبی روشن برای رسیدگی به اختلافات فراهم می‌کنند، بلکه از طریق نظارت نهادی بر پیشنهاد آراء داوری، به ارتقای استانداردهای حقوقی و شکلی تصمیمات صادره کمک مینمایند.

۳-۲. تعامل قواعد داوری ICC با اسناد آنسیترال

نکته قابل توجه آن است که قواعد داوری ICC در خلأ حقوقی عمل نمی‌کنند، بلکه به‌شدت با اسناد آنسیترال، به ویژه قانون نمونه داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در تعامل هستند. بسیاری از داوری‌های ICC در کشورهایی برگزار می‌شوند که قوانین داوری آنها مبتنی بر قانون نمونه آنسیترال است؛ امری که اجرای مؤثر آرای داوری را تسهیل می‌کند.

این تعامل نشان می‌دهد که ICC نه رقیب آنسیترال، بلکه **بازیگری مکمل** در نظام حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است. آنسیترال چارچوب تقنینی را فراهم می‌سازد و ICC آن را در سطح عملیاتی و قراردادی به کار می‌گیرد.

۵. سایر ابزارهای حقوقی ICC در خدمت تجارت بین‌الملل

۵-۱. قواعد میانجی‌گری ICC

در راستای توسعه روش‌های جایگزین حل‌وفصل اختلافات ((ICC, ADR قواعد میانجی‌گری خود را تدوین کرده است. این قواعد، با تأکید بر حل‌وفصل توافقی اختلافات، نقش مهمی در کاهش هزینه‌ها و حفظ روابط تجاری بلندمدت ایفا می‌کنند. میانجی‌گری ICC به‌ویژه در کنار داوری، به‌عنوان بخشی از یک نظام چندمرحله‌ای حل اختلاف در قراردادهای بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵-۲. استانداردها و دستورالعمل‌های تجاری

ICC علاوه بر داوری و اینکوئترمز، دستورالعمل‌ها و استانداردهای متعددی در حوزه‌هایی نظیر اعتبارات اسنادی، گواهی مبدأ و مبارزه با فساد در تجارت بین‌الملل تدوین کرده است. این اسناد، اگرچه الزام‌آور نیستند، اما در عمل به‌عنوان معیارهای حرفه‌ای مورد پذیرش گسترده قرار گرفته‌اند و نقش مهمی در افزایش شفافیت و اعتماد در مبادلات تجاری ایفا می‌کنند.

۶. نقش ICC در تولید و تثبیت عرف تجاری فراملی (Lex Mercatoria)

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ICC، نهادینه‌سازی عرف تجاری بین‌المللی در قالب قواعد مدون است. در این چارچوب:

اینکوئترمز به‌عنوان زبان مشترک تجارت جهانی عمل می‌کند؛

ICC عملاً نقش قانون‌گذار غیررسمی بازار جهانی را ایفا می‌کند؛

قواعد آن، بدون نیاز به تصویب دولتی، در قراردادها نافذ می‌شوند.

از این حیث، ICC نقشی کلیدی در شکل‌گیری Lex Mercatoria مدرن دارد؛ نظامی حقوقی است که نه ملی و نه بین‌المللی، بلکه بازاری و قراردادی است.

۷. دیوان داوری ICC و تحول داوری تجاری بین‌المللی

دیوان داوری ICC مهم‌ترین نهاد داوری سازمان‌یافته در جهان است که ویژگی‌های ممتاز آن عبارت‌اند از:

کنترل نهادی بر رأی داوری (Scrutiny of Awards)

تضمین کیفیت، انسجام و قابلیت اجرای آراء

بی‌طرفی نهادی مستقل از دولت‌ها

انعطاف‌پذیری رویه‌ای

کنترل پیشینی آراء، وجه تمایز ICC با داوری‌های صرفاً موردی (Ad Hoc) است و سبب ارتقای اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی شده است.

۸. ارزیابی انتقادی نقش ICC در حقوق تجارت بین‌الملل

با وجود موفقیت‌های چشمگیر، عملکرد ICC نیز با نقدهایی مواجه است. برخی منتقدان، ماهیت خصوصی و هزینه‌های نسبتاً بالای داوری ICC را از جمله چالش‌های آن می‌دانند. با این حال، باید توجه داشت که اعتبار و کارآمدی عملی قواعد ICC موجب شده است که این نهاد همچنان یکی از اصلی‌ترین انتخاب‌های فعالان تجارت بین‌الملل باقی بماند. از منظر حقوق تجارت بین‌الملل، ICC را می‌توان یکی از مهم‌ترین نهادهای شکل‌دهنده به نظم عملی تجارت جهانی دانست؛ نظامی که نه از طریق الزام دولتی، بلکه از راه پذیرش داوطلبانه و اعتماد فعالان اقتصادی ایجاد شده است.

بخش سوم: تحلیل تطبیقی UNCITRAL و ICC

۱. تفاوت در ماهیت حقوقی

معیار UNCITRAL ماهیت بین‌دولتی غیردولتی ابزار اصلی کنوانسیون و قانون نمونه قواعد قراردادی شیوه الزام الحاق دولتها توافق طرفین

۲. مکمل بودن نقش‌ها

در عمل، کنوانسیون‌های آنسیترال بستر حقوقی کلان را فراهم می‌کنند و ابزارهای ICC، این بستر را در سطح قراردادهای تجاری اجرایی می‌سازند. به‌عنوان مثال، داوری ICC اغلب در چارچوب قوانین داوری مبتنی بر قانون نمونه آنسیترال انجام می‌شود.

۳. تفاوت نهادی و مشروعیت حقوقی

UNCITRAL: نهاد بین‌دولتی، مشروعیت از دولت‌ها.

ICC: نهاد خصوصی، مشروعیت از پذیرش فعالان اقتصادی.

۴. الزام‌آوری در مقابل کارآمدی عملی

UNCITRAL قوانین الزام‌آور و پیش‌بینی‌پذیر.

ICC قواعد غیرالزام‌آور اما کارآمد و پذیرفته‌شده در عمل.

۵. نقش مکمل در حل اختلافات

UNCITRAL: چارچوب قانونی و حمایتی داوری.

ICC: اجرای عملی داوری و ابزارهای قراردادی.

۶. نظام چندمنبعی

تعامل UNCITRAL و ICC نشان می‌دهد حقوق تجارت بین‌الملل چندلایه و چندمنبعی است؛ هنجارهای الزام‌آور و قواعد عملی در کنار هم امنیت حقوقی و کارآمدی را فراهم می‌کنند.

۷. مقایسه ابزارهای حقوقی

الف) ابزارهای حقوقی آنسیترال به‌عنوان نهادی بین‌الدولی و شبه‌تقنینی، از ابزارهایی با ماهیت هنجارساز استفاده می‌کند:

۱. کنوانسیون‌های بین‌المللی

مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) که پس از الحاق دولت‌ها، الزام‌آور می‌شوند.

۲. قوانین نمونه (Model Laws)

از جمله قانون نمونه داوری تجاری بین‌المللی که؛ این ابزارها: الزام‌آور نیستند، اما نقش کلیدی در هماهنگ‌سازی حقوق داخلی کشورها دارند.

۳. قواعد داوری و میانجی‌گری آنسیترال

به‌ویژه در داوری‌های موردی (ad hoc)، با تأکید بر استقلال اراده طرفین.

۴. راهنماها و توصیه‌نامه‌های تقنینی

که بیشتر جنبه سیاست‌گذاری حقوقی دارند.

ابزارهای آنسیترال عمدتاً در قلمرو حقوق نرم (Soft Law) و حقوق متحدالشکل قرار می‌گیرند و مخاطب اصلی آن‌ها دولت‌ها و قانون‌گذاران ملی هستند.

ب) ابزارهای حقوقی ICC

ICC نهادی خصوصی، غیرانتفاعی و مبتنی بر بازار است و ابزارهای آن مستقیماً برای کنشگران اقتصادی طراحی شده‌اند:

۱. قواعد داوری ICC با سازوکارهای دقیق نهادی (نظارت دیوان داوری، بررسی پیش‌نویس رأی).

۲. قواعد میانجی‌گری و ADR با تمرکز بر حل‌وفصل سریع اختلافات.
۳. اینکوترمز (Incoterms) که به‌عنوان عرف تجاری جهانی، نقش شبه‌تقنینی در قراردادهای بیع بین‌المللی دارند.
۴. کلازها و قراردادهای نمونه ابزارهایی عملی برای تنظیم روابط قراردادی.
- ابزارهای ICC کاربردمحور، عملیاتی و بازارمحور هستند و مستقیماً رفتار تجار و شرکت‌های بین‌المللی را شکل می‌دهند.
- ج) جمع‌بندی تطبیقی ابزارها
- معیار آنسیترال ICC
- مخاطب اصلی دولت‌ها فعالان اقتصادیماهیت ابزارها تقنینی – هنجارساز قراردادی – اجرایی
- الزام‌آوری اغلب غیرالزام‌آور الزام‌آور از طریق قرارداد. جایگاه نظری حقوق نرم و متحدالشکل عرف و تنظیم خصوصی

۸. مقایسه چابکی نهادی (Institutional Agility)

الف) چابکی آنسیترال

آنسیترال به دلیل: ساختار بین‌الدولی، فرآیندهای اجماعی، و وابستگی به تصمیمات دولتی، از چابکی محدودتری برخوردار است. تدوین یا اصلاح اسناد آنسیترال: زمان‌بر، مبتنی بر مذاکرات طولانی، و گاه محافظه‌کارانه است.

این کندی نسبی، اگرچه کارآمدی کوتاه‌مدت را کاهش می‌دهد، اما موجب مشروعیت بالا، ثبات و پذیرش گسترده جهانی می‌شود.

ب) چابکی ICC

ICC به‌عنوان نهادی خصوصی: بدون نیاز به اجماع دولتها، با اتکا به نیازهای بازار، و از طریق بازنگری‌های سریع، از چابکی نهادی بالا برخوردار است.

نمونه بارز آن، به‌روزرسانی منظم قواعد داوری و اینکوترمز است.

ICC قادر است به تحولات نوین (دیجیتالی‌شدن، داوری آنلاین، بحران‌های اقتصادی) واکنش سریع و انعطاف‌پذیر نشان دهد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت این پژوهش با تمرکز بر «مقایسه نقش و جایگاه آنسیترال (UNCITRAL) و اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) در تدوین مقررات حقوقی برای توسعه تجارت بین‌الملل» نشان داد که این دو نهاد، مکمل یکدیگرند اما از حیث ماهیت، مخاطب، ابزارهای هنجارسازی و مسیر اثرگذاری تفاوت‌های بنیادین دارند.

نخست، آنسیترال به عنوان نهاد تخصصی سازمان ملل در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل، نقش «هنجارساز عمومی» را ایفا می‌کند؛ یعنی تلاش می‌کند با تدوین اسناد تقنینی/شبه تقنینی (نظیر کنوانسیون‌ها، قوانین نمونه و راهنماهای تقنینی) زمینه همگرایی و هماهنگ‌سازی نظام‌های حقوقی دولت‌ها را فراهم سازد. نقطه قوت اصلی آنسیترال در این است که خروجی‌هایش ظرفیت تبدیل شدن به قانون داخلی یا تعهد بین‌المللی دولت‌ها را دارند و می‌توانند امنیت حقوقی بلندمدت ایجاد کنند. با این حال، اثرگذاری آنسیترال غالباً کندتر است؛ زیرا به اجماع‌های بین‌دولتی، فرآیندهای تصویب، و ظرفیت اجرایی کشورها وابسته است و گاهی با چالش‌هایی مانند تفاوت‌های سیاست‌گذاری ملی و سرعت تحولات بازار مواجه می‌شود.

در مقابل، ICC نهادی غیردولتی و بازارمحور است که نقش «هنجارساز خصوصی» را بر عهده دارد. با تدوین قواعد قراردادی و استانداردهای عملیاتی (به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند شروط و رویه‌های تجاری، داوری و سازوکارهای حل و فصل اختلاف) به نیازهای فوری فعالان اقتصادی پاسخ می‌دهد. مزیت اصلی ICC، چابکی، کاربردپذیری و نفوذ گسترده در عمل تجاری است؛ چرا که قواعد آن معمولاً از طریق اراده قراردادی طرفین و پذیرش فعالان بازار به سرعت در تجارت جاری وارد می‌شود. در عین حال، محدودیت ICC این است که قواعد آن عموماً الزام‌آوری عمومی دولتی ندارند و اجرای آنها بیشتر از مسیر قرارداد، داوری، و پذیرش بازار حاصل می‌شود؛ لذا ممکن است در برخی کشورها با محدودیت‌های قانون داخلی، نظم عمومی یا رویه‌های قضایی مواجه گردد.

برآیند مقایسه نشان می‌دهد توسعه تجارت بین‌الملل در عمل به هر دو مسیر نیاز دارد:

- آنسیترال با ایجاد چارچوب‌های پایدار و هماهنگ بین‌دولتی، ریسک حقوقی را کاهش می‌دهد و پیش‌بینی‌پذیری را تقویت می‌کند؛

- ICC با تولید استانداردهای عملیاتی و انعطاف‌پذیر، خلأهای فوری بازار را پر می‌کند و کارایی مبادلات را بالا می‌برد.
- بنابراین، راهبرد مطلوب برای کشورها و بنگاه‌ها، نگاه «یا این یا آن» نیست، بلکه «ترکیبی» و هم‌افزا است: دولت‌ها با بهره‌گیری از دستاوردهای آنسیترال می‌توانند زیرساخت حقوقی تجارت را همگرا و روزآمد کنند، و هم‌زمان، بنگاه‌ها با اتکا به قواعد ICC می‌توانند در قراردادهای حل اختلاف، سرعت، اطمینان و استانداردسازی عملی را افزایش دهند. نتیجه نهایی این هم‌افزایی، کاهش هزینه‌های معامله، کاهش اختلافات و افزایش اعتماد در روابط تجاری فرامرزی است که به‌طور مستقیم به توسعه تجارت بین‌الملل کمک می‌کند.

منابع و مأخذ

الف) کتب فارسی

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ هـ ق
۲. آدابی، حمیدرضا، حقوق ثبت تخصصی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸
۳. ارسطا، محمد جواد، سلسله پژوهش های فقهی و حقوقی، اعتبار سند و تعارض آن با ادله دیگر در حقوق ایران و فقه امامیه، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، انتشارات جنگل، تهران، نسخه دوم، ۱۳۸۹
۴. اصغرزاده بناب، مصطفی، حقوق ثبت کاربردی جلد دوم (دعاوی و اعتراضات ثبتی مربوط به اسناد و آیین رسیدگی به آنها)، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۱
۵. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۶، کتابفروشی اسلامیه؛ تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۵
۶. بهرامی، داریوش، حقوق ثبت املاک در ایران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم ۱۳۹۳
۷. تفکریان، محمود، «شناخت دفاتر رسمی»، انتشارات نگاه بینه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۸. توربان، افرایم و همکاران (نویسنده)، ریاحی، حمیدرضا و همکاران (مترجم)، ۱۳۸۶، فناوری اطلاعات در مدیریت: دگرگونی سازمان ها در اقتصاد دیجیتال (جلد دوم)، تهران، انتشارات پیام نور
۹. حبیب زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات، مقدمه ای بر حقوق تجارت الکترونیک، انتشارات مرکز پژوهش های جمهوری اسلامی، جلد اول، چاپ ۱۳۹۰
۱۰. حسینی نژاد، حسینقلی، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۴
۱۱. حمیتی واقف، احمدعلی، ادله اثبات دعوی، نشر حقوقدان و دانش نگار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷
۱۲. حمیتی واقف، احمدعلی، حقوق ثبت، نشر حقوقدان-دانش نگار، چاپ دوم، سال ۱۳۸۴
۱۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۷، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش

۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۱، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد اول)، تهران، نشر گنج دانش
۱۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۱۶. زمانی فراهانی، مجتبی؛ پول، ارز و بانکداری، تهران، ترمه، ۱۳۸۶، ویرایش سوم، ۱۳۸۶
۱۷. سپاهی، امیر، حقوق اسناد (کاغذی، الکترونیکی)، نشر دادگستر، چاپ اول، بهار ۱۳۹۳.
۱۸. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، با تجدید نظر، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۰
۱۹. شرح قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفتریاران (مصوب ۱۳۵۴)، خسرو عباسی داکانی، ناشر: میزان، ۱۳۸۸
۲۰. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰
۲۱. شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ ششم، ۱۳۷۷
۲۲. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، کلیات، برات، سفته، چک، اسناد الکترونیکی، قبض انبار عمومی و نمونه های کاربردی، ج سوم، ۱۳۸۵
۲۳. قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۴
۲۴. قلی زاده نوری، فرهاد، ۱۳۷۹، فرهنگ تشریحی اصطلاحات کامپیوتری مایکروسافت (ترجمه)، تهران، انتشارات قانون نشر علوم
۲۵. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۰، اثبات و دلیل اثبات (جلد اول)، تهران، نشر میزان
۲۶. کلیت قانون ثبت اسناد و املاک کشور، (مصوب ۱۳۱۰/۱۰/۲۶) با اصلاحات و الحاقات بعدی، اصغر حجاریان، انتشارات جهان نو، ۱۳۸۹.
۲۷. کی نیا، محمد، ۱۳۸۸، امضای الکترونیک منطبق با حقوق فرانسه، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان

ب) مقالات فارسی

۲۸. اخلاقی، بهروز، اسناد تجارتي در قلمرو حقوق تجارت بين الملل، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲، ۱۳۶۹، صفحات ۳۰ الی ۱۱۹

۲۹. اسدی، محمد مهدی، «بررسی جایگاه حقوقی ثبت الکترونیکی»، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران قوه قضائیه، شماره ۱۳۴ و ۱۳۵، ۱۳۹۲
۳۰. السان، مصطفی، «جایگاه امضای دیجیتالی در ثبت اسناد به شیوه الکترونیکی»، مجله: کانون سردفتران و دفتریاران قوه قضائیه، سال چهل و هفتم، دوره دوم، اسفند ۱۳۸۳ - شماره ۵۵.
۳۱. السان، مصطفی و دوان یامچی، امین، «ماهیت رایانه ای و جنبه های حقوقی امضای دیجیتالی»، مجله دیدگاه های حقوقی قضایی، شماره ۳۰ و ۳۱، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳.
۳۲. السان، مصطفی، نقدی بر وضعیت کنونی گواهی الکترونیکی در ایران، مجله کانون، خرداد و تیر ۱۳۸۷، شماره ۸۱ و ۸۲، صفحه ۹
۳۳. امامی، مصطفی، ماده ۱۰ قانون مدنی، مبنای قانونی انواع قراردادهای خصوصی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره ۶ شماره پیاپی ۱۷۵، دی ماه ۱۳۸۰، صفحه ۱۵۵
۳۴. بختیاروند، مصطفی، مطالعه تطبیقی مقررات حاکم بر مبادلات الکترونیکی، مجموعه مقالات همایش بررسی ابعاد حقوقی فناوری اطلاعات - برگزارکننده: شورای عالی توسعه قضائی - خرداد ۱۳۸۳
۳۵. جلیلی، سعید و آبادی، مهدی؛ بررسی مکانیزم های امنیتی سیستم های پرداخت الکترونیکی در شبکه اینترنت، اولین همایش بانکداری الکترونیکی، تهران، انتشارات بانک توسعه صادرات ایران، ۱۳۷۹، ص ۴۱.
۳۶. دانیل ویک، اعتبار کپی های برابر اصل در اسناد الکترونیک، مترجم غلامعلی بازیری سروسستانی، نشریه کانون، سال چهل و هشتم، دوره دوم، شماره ۶۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، صفحه ۱۹۰
۳۷. رضایی، روح الله، اعتبار اسناد الکترونیک (با توجه به قوانین داخلی و بین المللی)، گواه، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۶ و ۷، صفحه ۳۲
۳۸. زرکلام، ستار، «امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا»، نشریه مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲.
۳۹. سلیمانی، بهزاد؛ تأثیر پول الکترونیکی بر عرضه و تقاضای پول، مجموعه مقالات

- دومین همایش تجارت الکترونیکی، تهران، معاونت برنامه ریزی و بررسی های اقتصادی، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۱۹۳.
۴۰. شهیدی، مهدی، ادله اثبات دعوی و ادله اثبات احکام، مجله کانون وکلا، ش ۱۴۶ و ۱۴۷، صفحه ۱۲۵ و ۱۲۶، بهار و تابستان ۱۳۶۸
۴۱. عباسی داکانی، خسرو، بررسی اجمالی آیین نامه اجرایی ماده ۳۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۶/۰۶/۲۱، مجله کانون، مرداد و شهریور ۱۳۹۰
۴۲. قاجار قوینلو، سیامک، اسناد تجاری الکترونیکی، مجله اقتصاد و تجارت نوین، تابستان، شماره ۹، ۱۳۸۶
۴۳. مظاهری، رسول؛ ناظم، علیرضا، ارزش اثباتی داده پیام و امضای الکترونیکی، نشریه نامه حقوقی، ۷۰، ج ۴، شماره ۲، ۱۳۸۷، ص ۵۳

ج) پایان نامه ها

۴۴. عبدالهی محبوبه، دلیل الکترونیکی در دعوای حقوقی، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، استاد راهنما مرتضی شهبازی نیا، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷
۴۵. ناصری فرزانه، انعقاد قراردادهای الکترونیکی و قابلیت استنادی آن در محاکم، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، استاد راهنما پرویز ساورایی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۸-۸۹، صص ۴۴-۴۵
۴۶. کریمی ریکنده، معصومه، قابلیت استناد اسناد الکترونیکی در دعوای حقوقی : مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، استاد راهنما عبدالله شمس، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۴۷. کی نیا، محمد، امضای الکترونیک، پایان نامه فوق لیسانس سردفتری، دانشگاه لیون ۳ فرانسه.
۴۸. کی نیا، محمد، اسناد و قراردادهای الکترونیکی، تز دکتری ۲۰۱۱، دانشگاه لیون ۳ فرانسه.

چ (منابع لاتین)

۴۹. KAINIYA, Mohammad. (۲۰۰۸). LA SIGNATURE ELECTRONIQUE, Mémoire pour le master ۲ de droit notariat. Université Jean-Moulin Lyon III
۵۰. La loi n° ۲۰۰۰-۲۳۰ du ۱۳ mars ۲۰۰۰ Adoptée par le Parlement français
۵۱. Lamy droit de l'informatique et des reseaux , ed. lamy, p. ۱۶۷۴, no. ۲۹۷۶, ۲۰۰۲ . p ۱۷۹۴
۵۲. M. Vivant, C. Le Stanc, L. Rapp, M. Guibal et J.-L. Bilon, Le droit probatoire général : Lamy Droit de l'informatique et des réseaux, ۲۰۰۲, n° ۳۱۸۹.
۵۳. UNCITRAL Model Law on Electronic Signatures with Guide to Enactment ۲۰۰۱
۵۴. United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts
۵۵. USA Uniform Electronic Transaction Act.
۵۶. Virginie LECHNER RESILLOT .la signature électronique et l'acte authentique. Mémoire en vue de l'obligation du diplôme supérieur JEAN MOULIN LYON ۳. ۲۰۰۲ p ۴۶ s.
۵۷. V. P. Catala, Écriture électronique et actes juridiques, in Mélanges Michel Cabrillac : éd. Litec ۱۹۹۹, p. ۹۱ et s.